

از جبران خسارت ناشی از جرم علیه کودک تا نحوه ترمیم خسارات؛ با نگاهی تطبیقی به قوانین کشورهای اروپایی، آمریکایی و اسناد بین المللی

شادی عظیم‌زاده * هدیه هدایت **

(تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۳ تاریخ پذیرش: ۹۵/۷/۱۰)

چکیده؛

ارتکاب جرم علیه کودک، ضررهای مادی یا آزارهای جسمانی و در شرایطی خاص تألمات شدید روحی را برای او به بار می‌آورد که این تألمات موجب هتک حیثیت و آبروی کودک شده و در شرایط حاد، نارسایی و اختلال روانی کودک را سبب خواهد شد. مرحله‌ی صدور حکم یا تعیین مجازات باید با سازوکارهای جبران خسارت مادی و معنوی اعم از عاطفی و روانی همراه باشد که نه تنها، از ساده‌ترین و در عین حال برجسته‌ترین گونه‌های حمایت از بزهدیدگان است، بلکه، راه‌کاری جهت پیشگیری از تکرار بزهدیدگی و کاهش صدمات وارده به کودک و التیام بخشی آلام روحی و روانی او می‌باشد. جبران خسارت باید از سوی خود بزهدکار و در صورتی که تحمیل آن بر بزهدکار ممکن نباشد، از سوی دولت، بیمه و یا صندوق‌های خاص تامین شود. آثار سازوکار جبران خسارت مستقیماً بر کودک بزهدیده تبلور می‌یابد و هر چه گسترده‌تر باشد از گسترش آسیب وارده در اثر ارتکاب جرم علیه کودک جلوگیری می‌کند. بنابراین، تعیین مجازات برای بزهدکار کودک آزار با سازوکارهای ترمیم و جبران خسارت‌های وارده بر این بزهدیدگان از رابطه‌ی تنگاتنگ و حائز مطالعه‌ای برخوردار است.

واژگان کلیدی: جبران خسارت، خسارت مادی و معنوی، کودک بزهدیده، فرایند کیفری.

* استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد الکترونیک).

** دانشجوی مقطع دکترا حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه مفید قم، (نویسنده مسئول):

hedyehedayat@gmail.com

درآمد؛

با ملاحظه‌ی سیر تاریخی تحولات مباحث مربوط به بزه‌دیده در حقوق کیفری و جرم‌شناسی دو بعد کاملاً متمایز دیده می‌شود. در یک بعد جنبه‌ای است که به نقش و تقصیر بزه‌دیده در ارتکاب جرم توجه می‌شود و در جنبه‌ی دیگر نقش حمایت از بزه‌دیده مورد توجه قرار می‌گیرد. این دیدگاه تحت عنوان بزه‌دیده‌شناسی حمایتی مشهور شده است. نقطه‌ی اوج این تحولات را باید در سال ۱۳۸۵ میلادی دانست که توجه مستقیم بر نیازها و منافع بزه‌دیدگان معطوف گردید (رضائیان، ۱۳۹۲: ۶۹۹). در بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، بزه‌دیده دیگر تسهیل‌کننده و سهم‌دار ارتکاب جرم نبوده و انسانی است که حقوق او در راستای ارتکاب جرم تضییع شده و شایسته‌ی برخورداری از حقوق و حمایت‌های ویژه در جهت جبران صدمات وارده به دلیل ارتکاب جرم می‌باشد. بدین سان، بزه‌دیده شناسی اقداماتی است که از منافع بزه‌دیده دفاع می‌کند و «هدف بزه‌دیده‌شناسی کاربردی ارائه خدمات کمک‌رسانی و امدادهایی است که قربانیان به آن‌ها نیاز دارند و نیز فعالیت در جهت سرعت بخشیدن به روند تسهیل ترمیم آثار زیان بار روانی ناشی از بزه‌دیدگی می‌باشد» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۳: ۷۴-۲۳۳-۲۳۸).

بر اساس کنوانسیون‌های متعدد مربوط به حقوق کودکان^۱ و ماده یک قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۲۵ آذرماه ۱۳۸۱، کودک بزه‌دیده به هر فرد زیر ۱۸ سال که قربانی جرم واقع شده است، اطلاق می‌شود. کودک بزه‌دیده به عنوان یک طرف دعوای کیفری و با عنایت به ویژگی آسیب‌پذیری بالقوه، شایسته‌ی برخورداری از یک سری حقوق و حمایت‌های ویژه می‌باشد. حق جبران خسارت در دادرسی کیفری از مهم‌ترین این حقوق می‌باشد.

اهمیت توجه به صدمات مادی و معنوی وارده بر کودک در تعریف سازمان بهداشت جهانی از کودک آزاری نمایان است که بر اساس آن: «کودک آزاری عبارت است از آسیب یا تهدید سلامت جسم و روان، سعادت، رفاه و بهزیستی کودک به دست والدین یا افرادی که نسبت به او مسئول هستند و در چهار مقوله‌ی غفلت یا بی‌توجهی، آزار جسمی، آزار جنسی و آزار عاطفی مورد بررسی قرار می‌گیرد» (بهبودی، ۱۳۸۵: ۴). به همین ترتیب، در تعاریف متعددی که از بزه‌دیده ارائه شده است، نیز کلمات آسیب‌روانی، بدنی، خسارات مالی و جسمانی به وضوح به

۱. ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، بند ۱ ماده ۹ اصول راهبردی در مورد عدالت برای اطفال بزه‌دیده و شهود(شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد) ۲۰۰۴، بند ۱ و ۳ ماده ۳ کنوانسیون شورای اروپا در مورد حمایت از کودکان در برابر سوءاستفاده و استثمار جنسی لنزاروت ۲۰۰۷، بند ۳ کنوانسیون در مورد ارتباط با کودکان استراسبورگ ۲۰۰۳

چشم می خورد که همگی توجیهی بر حق بزه دیده به التیام و ترمیم می باشد. به عنوان نمونه، سازمان ملل متحد در ۱۱ دسامبر ۱۹۸۵ بزه دیده را این گونه معرفی می نماید: «بزه دیدگان کسانی هستند که بطور فردی یا گروهی متحمل خسارت شده اند. این خسارت به ویژه در زمینه های مربوط به آسیب به تمامیت جسمانی یا روانی، رنج روحی، خسارت مادی و وارد شدن لطمه ای بزرگی به حقوق اساسی افراد می باشد. این خسارت ناشی از افعال یا ترک افعالی است که اولاً قوانین جزایی یک دولت عضو را نقض می کند؛ ثانیاً، نشان دهنده ی تخلف از مقررات حقوقی است که در زمینه ی حقوق بشر برای بزه دیدگان جرایم از یک سو و برای سوء استفاده از قدرت از طرف دیگر در سطح بین المللی شناخته شده اند». ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که در تیر ماه ۱۳۹۴ لازم الاجرا گردیده است، نیز بزه دیده را شخصی می داند که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می گردد.

اگر چه غالباً فرض بر این است که بزه دیده انتقام گیر و تلافی جو است، اما تحقیقات نشان داده که چنین نبوده و مهم ترین دغدغه ی خاطر بزه دیدگان، پیش از آنکه اجرای مجازات بر بزه کار باشد، جبران خسارتی است که از رهگذر وقوع جرم متحمل شده اند. اندیشه ی جبران خسارت بزه دیده از دیرباز در سیاست جنایی نمایان بوده است. در منشور عربی حقوق بشر ۲۰۰۴ در بند ۳ از پاراگراف C ماده ۳۴ نیز دولت های عضو را به اتخاذ مجازات های مناسب^۱ یا سایر مجازات هایی که اجرای مؤثر مقررات حمایتی این منشور از کودکان مورد بهره کشی اقتصادی را تضمین نماید، بطور ویژه ملزم می نماید.^۲ بر اساس این مقرره، قضات ملزم هستند با لحاظ شرایط موجود در پرونده و موقعیت خاص کودکان، از میان مجازات های مختلف، با لحاظ این مهم که تعیین مجازات باید بر اساس کودک محوری باشد، متناسب ترین مجازات را با هدف تضمین منافع کودک برگزینند که با توجه به مطالب مورد بحث این مقاله، ضمانت اجراهای متضمن جبران خسارت می تواند ضمانت اجرایی مناسب برای مهار کودک آزاری و ارتقای حس مسؤولیت پذیری بزه کار باشد.

با این توصیفات، مقاله در پی پاسخ گویی به سؤالات ذیل است: ۱- خسارات وارد بر کودک بعد از بزه دیدگی و در اثناء فرایند کیفری شامل چه لطمات و آلامی می باشد؟ ۲- در راستای نحوه ی ترمیم این لطمات، چه راهکارها و تدابیری در نظام عدالت کیفری افتراقی مورد نیاز

¹. Appropriate penalties

². Draft Arab Charter on Human Rights, Text adopted by the Arab Standing Committee for Human rights, 5-14 January 2004

می‌باشد؟^۳ در کشورهای مختلف چه سازوکارهایی جهت جبران صدمات وارده بر کودک در نظر گرفته شده است؟

ارتکاب جرم علیه کودک، خسارات مادی در برگیرنده‌ی آسیب‌های جسمانی و هزینه‌های درمان پزشکی را در پی دارد؛ علاوه بر خسارت مادی، آزرده‌گی خاطر کودک و ضررهای شدید معنوی و عاطفی و در شرایط حاد اختلال روانی را نیز سبب می‌گردد که به مراتب از خسارات مالی سنگین‌تر و مهم‌تر هستند. جبران خسارات وارد بر کودک در وهله‌ی نخست، اصولاً بر عهده‌ی یزه‌کار است که با نقض قانون به دیگری صدمه وارد کرده است. اما چنانچه یزه‌کار یا دیگر منابع مانند بیمه خصوصی نتواند خسارات وارد بر کودک را تمام و کمال جبران کند، در این راستا، اصل جبران دولتی خسارت مطرح می‌گردد که به تفصیل بدین موارد خواهیم پرداخت. هرچند با تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بارقه‌های امیدی از شکل‌گیری نظام دادرسی خاص کودکان بزه‌دیده به وجود آمده اما کاستی‌های زیادی بر این قانون وارد است. با این وجود، جبران صدمات وارده بر کودک از موضوعاتی است که علی‌رغم حساسیت بالای آن، در نظام عدالت کیفری ایران مغفول مانده است. این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی بر آن است تا با توجه به حساسیت امر در مقام بحث پیرامون اهمیت حق مبرهن‌ترمیم صدمات وارده بر کودک بعد از بزه‌دیدگی، با نگاهی تطبیقی به بررسی ساز و کارهای جبران خسارت موجود در کشورهای کانادا، آمریکا، سوئد و اسناد بین‌المللی، به تحقیق در مورد تمهیدات حمایتی موجود در قوانین فعلی و لوایح در دست تصویب در کشورمان بپردازد و در نهایت با ارائه‌ی پیشنهاداتی، این حق مغفول مانده کودک را در اذهان برای نمود عملی تجلی بخشد.

۱. توجه به صدمات وارده بر کودک بزه‌دیده در مرحله صدور حکم

هر فردی از این حق برخوردار است که صدمات وارده بر وی از بابت اعمالی که ناقض حقوق بنیادین او بوده، توسط محاکم واجد صلاحیت کشور جبران شود (ماده ۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر). بنابراین، جبران خسارت بزه‌دیده^۱، می‌تواند مهم‌ترین مسأله پس از وقوع جرم باشد؛ بی‌تردید، واکنش اجتماعی در برابر بزه‌کار کودک‌آزار، اهمیتی به اندازه‌ی خود پدیده‌ی کودک‌آزاری دارد و موفقیت نهاد عدالت کیفری در پیشگیری از کودک‌آزاری تا حدود زیادی مبتنی بر موفقیت در تعیین مجازات برای کودک‌آزار می‌باشد. در مرحله‌ی تعیین مجازات، چنانچه حکم مبتنی بر تشدید مجازات صرف مرتکب باشد و از کودک خسارت‌زدایی نگردد و پاسخ

^۱ The Right to Restitution

اجتماعی مبتنی بر رویکرد سزادهی صرف، سرکوب محض بزه کار و نادیده‌انگاری پیامدهای زیانبار بزه بر کودک باشد، منطقاً روشنگر اهداف عالی کیفر نبوده و در راستای اهداف عالی پیشگیری، توانمندسازی و بازگشت موفق کودک به جامعه گامی برداشته نشده است. درست است که در این میان، نهاد عدالت کیفری با مکافات بزهکار وظیفه‌ی خود را در تعیین و اجرای کیفر انجام داده، اما آیا اهداف کیفر به عنوان واقعیت اجتماعی را برآورده ساخته و رضایت کودک و خانواده‌اش حاصل آمده است؟! نظام عدالت کیفری افتراقی باید بر این مهم متمرکز باشد تا کودکی که در اثر بزه‌دیدگی، متحمل ضرر و زیان‌های مادی و معنوی می‌گردد و حقوقش نقض می‌شود، به طریقی منصفانه جبران صدمات ناشی از بزه بر وی محقق گردد.

در ابتدا لازم است که خسارات متحمل بر کودک و ترمیم آن را بر اساس قاعده‌ی فقهی لاضرر توجیه نمود. «قاعده لاضرر از قواعد مشهور فقهی است که در بیشتر ابواب فقه کاربرد دارد و به معنی نفی مشروعیت هرگونه ضرر و ضرار در اسلام است»^۱. امام خمینی (ره) در تعریف قاعده‌ی مذکور می‌فرماید: ضرر و ضرار بیشتر به معنای کاستی وارد کردن در مال و جان به کار برده شده است و ضرار برگرفته از آن به معنای در تنگنا قرار دادن و رساندن ناراحتی و زیان به دیگران (زیان‌های معنوی) می‌باشد.^۲ برای اثبات این قاعده جهت حمایت از کودکان می‌توان به ادله‌ی قرآنی استدلال نمود: آیه‌ی «لا تضار والده بولدها و لا مولود بولده»^۳ این آیه، مادران و پدران را از ضرر رساندن به فرزندانشان نهی نموده است و از آن فهمیده می‌شود که ضرر زدن هرکسی به کودک ممنوع است و بر اساس حاکمیت قاعده‌ی لاضرر، بزهکار ملزم به جبران و ترمیم کلیه‌ی خسارات مادی و معنوی به بار آمده بر کودک می‌باشد. زیرا طبق قاعده‌ی مذکور، در اسلام، هیچ ضرر و زیانی نباید جبران نشده باقی بماند که هرگونه ضرر اعم از جسمانی، روحی و روانی را شامل می‌شود. با عنایت به تحلیل فوق، نگارندگان بر آنند تا به دو نوع خسارتی که بر کودک وارد می‌شود، «خسارت مادی و معنوی»، و ساز و کارهای ترمیم وضعیت کودک به تفحص بپردازند، باشد که این روند خسارت‌زدایی، بخشی از آلام روحی و روانی کودک بزه‌دیده را التیام بخشد.

۱. www.wikifegh.ir/ قاعده لاضرر

۲. www.shareh.com/persian/magazine/.../21-12-06.html

۳. «نه مادر(به خاطر اختلاف با پدر) حق ضرر زدن به کودک را دارد و نه پدر»

۱-۱. خسارت مادی؛

حمایت مالی یکی از ساده‌ترین و در عین حال برجسته‌ترین گونه‌های حمایت از بزه‌دیدگان است. چنانچه بزه رخ داده، افزون بر، برهم زدن نظم عمومی، به زیان‌دیدگی بزه‌دیده بینجامد، وی می‌تواند نسبت به جبران این زیان‌دیدگی اقدام کند. حمایت مالی ترجمه‌ی جبران خسارت مادی است. این جبران خسارت عبارت است از: بازگرداندن مال یا پرداخت پول برای هرگونه زیان، پرداخت هزینه‌هایی که بزه‌دیده در نتیجه‌ی بزه‌دیدگی به آن دچار شده، ارائه خدمات و اعاده‌ی وضع یا اعاده‌ی حیثیت و توانبخشی بزه‌دیده و پرداخت غرامت از رهگذر دولت. بطور کلی، جبران خسارت مادی ممکن است به دنبال آسیب برخاسته از جرم به دارایی‌های بزه‌دیده باشد، همچنان که ممکن است از آسیب‌های بدنی یا روانی وارد بر بزه‌دیده سرچشمه بگیرد.^۱

بنابراین، کودکانی که حقوقشان نقض شده است این حق را دارند که در زمان مقتضی و با توسل به شیوه‌های عادلانه، کم هزینه و قابل دسترس، در صدد جبران صدمات وارده برآیند. بی‌شک، جبران صدمات از رهگذر ابزارهای مالی تاثیر شگرفی در التیام لطمات وارده بر کودک و خانواده‌اش و توانبخشی و بازگرداندن وی به وضعیت پیش از ارتکاب جرم و به همین ترتیب، بازپروری بزهکار و پیشگیری از اقدامات مجدد زیانبار وی خواهد داشت.

کالیفرنیا، اولین ایالتی بود که در سال ۱۹۶۵ در نظام حقوقی‌اش، منافع بزه‌دیدگان را با تاسیس حق جبران خسارت مورد لحاظ قرار داد و این مهم را در قانون اساسی گنجانده.^۲ قانون کالیفرنیا یکی از ضرر و زیان‌های مادی بزه‌دیده را صورتحساب‌های درمانی، پزشکی، خدمات سلامت فیزیکی و هزینه‌های مشاوره سلامت روانی برشمرده است.^۳

قانون کانادا نیز کودک بزه‌دیده را مستحق ترمیم برای هرگونه خسارات مادی متحمل شده از نتیجه‌ی بزه شخص دیگر دانسته است.^۴

^۱. See: Declaration of Basic principles of Justice for victims of Crime and Abuse of power general assembly, resolution 40/43, UN. P.8 and See: Victim and Witnesses, op.cit:16, Juvenile Justice, New York 2006, Guidelines on the Protection of Child Victims of Trafficking, New York 2006

^۲. United States Department of Justice. Offices of United States Attorneys, 2014

^۳. California Penal Code Section 1202.4/ Restitution Defined-VCGCB- California Victim Compensation Board, 2013

^۴. Financial Assistance for Canadians Victimized Abroad, 2016

در اسناد بین‌المللی متعددی نیز به استحقاق دسترسی کودکان بزه‌دیده به ساز و کارهای جبران خسارت تصریح شده است. از جمله، پاراگراف ۷ شورای اروپا در مورد حمایت حقوقی علیه تبعیض جنسیتی ۵ فوریه ۱۹۸۵^۱، مواد ۴۳ و ۴۵ اصول راهبردی به منظور اعمال در مورد اطفال در نظام عدالت کیفری؛ قطعنامه‌ی شورای اجتماعی-اقتصادی سازمان ملل متحد، ۲۱ جولای ۱۹۹۷، بند ۳ ماده ۷ و مواد ۳۶ تا ۳۸ اصول راهبردی در مورد عدالت برای اطفال بزه‌دیده و شهود (شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد) ۲۰۰۴^۲ و در نهایت پاراگراف اول ماده ۲۴ قانون نمونه محافظت از کودکان ژانویه ۲۰۱۳^۳ مقرر نموده است که «کودکی که بر اثر موارد تخطی از این قانون قربانی شده است، حق دارد بابت هرگونه صدمه‌ی وارده غرامت کامل دریافت کند. غرامت باید عادلانه و مناسب باشد و جبران موارد زیر را بنماید: ... خسارت‌های مادی، شامل کار انجام شده در مدت زمان بهره‌کشی، از دست دادن فرصت تحصیل و کارآموزی و هر هزینه‌ی دیگری که کودک بر اثر موارد تخلف از این قانون متحمل شده باشد، مانند هزینه‌ی درمان‌های پزشکی، جسمانی، روان شناختی یا روان درمانی، شامل درمان‌های بلندمدت یا بازتوانی، برای خدمات حقوقی، مسکن و رفت و آمد».

1. Council of Europe, Committee of Ministers, on legal protection against sex discrimination, 5 February 1985

2. Guideline on Justice for child victim and witnesses of Crime, The Economic and social council, UN, 2004

3. Child protection Model Law, Best Practices: Protection of Children from Neglect, Abuse, Maltreatment, Exploitation, The Protection project, International centre for Missing & Exploited Children, January 2013

۴. در سپتامبر ۲۰۰۹، دانشگاه جانز هاپکینز (Johns Hopkins) پروژه مشترکی را با مرکز بین‌المللی حمایت از کودکان استعمار شده و مفقود، جهت تدوین قانون نمونه محافظت از کودکان برای همه اشکال غفلت، سوء استفاده، بدرفتاری، استعمار را شروع کرد. پیش‌نویس این قانون طی ۶ مرحله نوشته شد که نسخه نهایی آن شامل استانداردهای بین‌المللی و بهترین رویه‌های حمایت از کودکان براساس اقدامات حمایتی کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ و دو پروتکل اختیاری آن: ۱- پروتکل اختیاری راجع به فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان ۲۰۰۰ و پروتکل اختیاری مشارکت کودکان در مخاصمات مسلحانه می‌باشد. طی آماده‌سازی این پروژه، بیش از ۴۰۰ قوانین داخلی کشورهای مختلف مربوط به حمایت از کودک تحلیل گردید. قانون نمونه نتیجه‌ای از معیارهای بین‌المللی و نمونه‌های تطبیقی قوانین کشورهای متعددی می‌باشد و محتویات آن به ما کمک می‌کند تا خلأها را در قوانین داخلی سراسر جهان بشناسیم.

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۸۱ و لایحه‌ی حمایت از اطفال و نوجوانان^۱ بدون در نظر داشتن اهداف واقعی حمایتی از کودکان بزه‌دیده به ضمانت اجرایی چون سلب آزادی یا جزای نقدی بسنده نموده و حتی در برخی مواد، قاضی را مخیر نموده که به یکی از مجازات‌های حبس یا جزای نقدی استناد نماید، بدون اینکه به حق جبران خسارت کودک تصریح نماید. اگرچه تعیین مجازات مالی در جرایمی که فواید مالی زیادی برای مجرم دربر دارد، ممکن است عاملی پیش‌گیرانه برای ارتکاب جرم محسوب شود، اما چنین مجازاتی تنها زمانی می‌تواند موثر واقع شود که میزان مجازات مالی با درآمد حاصله از جرم تناسب داشته و به نحوی باشد که محاسبات مالی مجرم را با شکست مواجه نماید و در واقع ریسک ارتکاب جرم را آن قدر بالا ببرد که مجرم، در ارتکاب جرم، سودی منطقی را نتواند پیش‌بینی نماید. جزای نقدی ضمانت اجرایی است که بر اساس آن بزه‌کار ملزم می‌شود، مبلغ تعیین شده در حکم را به خزانه‌ی دولت واریز نماید. بنابراین منفعت حاصله در ارتباط با منافع دولت بوده و تأمین‌کننده‌ی نیازهای کودک بزه‌دیده نخواهد بود و لذا مجازات جریمه‌ی نقدی دربردارنده‌ی اثر مستقیم حمایتی برای کودک نمی‌باشد. تنها اثر بازدارندگی این مجازات ممکن است در پیشگیری از ارتکاب جرایم علیه کودکان باشد و صرف تعیین جریمه نقدی برای مجرمین، تضمین‌کننده‌ی حقوق کودکان بزه‌دیده نمی‌باشد. بدین ترتیب، این نقیصه‌ی مسلم که در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان و لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان وجود دارد، باید با پیش‌بینی حق جبران خسارت برای کودک در کنار مجازات حبس و جزای نقدی در لایحه‌ی نامبرده برطرف گردد تا حقوق کودکان بزه‌دیده در مرحله‌ی تعیین مجازات که تنها با صدور حکم مجازات کودک آزار تأمین نمی‌شود، با تاسیس حق جبران خسارت در کنار مجازات مجرم تضمین گردد.

در بسیاری از استان‌های کشور کانادا در راستای مهیا نمودن غرامت برای بزه‌دیدگان، برنامه‌ی مساعدت مالی/غرامت^۲ را در دستور کار قرار داده‌اند. کودک بزه‌دیده و خانواده‌اش با تماس با برنامه‌ی محل وقوع جرم، درخواست جبران خسارت می‌کنند و غرامت پرداختی از ناحیه‌ی این برنامه‌ها بین ۲۰۰۰ دلار تا ۳۶۵۰۰ دلار متفاوت است.^۳ در آمریکا، کودکان با حکم جبران

۱. لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان در ۴۹ ماده بنا به پیشنهاد قوه قضائیه در جلسه مورخ ۱۳۹۰/۵/۹ هیأت وزیران به تصویب رسیده است و هم‌اکنون در مجلس شورای اسلامی در دست بررسی برای تصویب می‌باشد.

۲. compensation/ financial assistance

۳. Canadian Resource Center for Victim of Crime

خسارت^۱ برای ضرر و زیان‌های ناشی از جرم مستحق دریافت غرامت هستند. بعد از محکومیت متهم، از کودک یا خانواده‌اش در دادگاه کیفری درخواست می‌شود تا فرم اظهارات تاثیر بر بزه‌دیده^۲ را تکمیل نمایند و این اظهارات به بزه‌دیده این فرصت را می‌دهد تا نتایج مختلف جرم از جمله، نتایج پزشکی، روانپزشکی، اجتماعی، اقتصادی و ... را گزارش کند. این فرم قاضی را مهیا می‌سازد تا هنگام تعیین مجازات کودک آزار، خسارات و زیان‌های وارده را در نظر بگیرد و از این طریق هزینه‌های ضروری جسمانی، پزشکی و حتی هزینه‌های بازپروری کودک پرداخت می‌گردد.^۳ در بالتیمور و کالیفرنیا نیز برای جبران خسارت کودک بزه‌دیده نیازی به مراجعه به دادگاه حقوقی و طرح ادعای مدنی نیست، بلکه در همان دادگاه کیفری رسیدگی کننده به بزه، به درخواست جبران خسارت کودک یا خانواده اش بدون رعایت تشریفات به سرعت رسیدگی می‌گردد.^۴

کودک بزه‌دیده در حقوق ایران به موجب ماده ۹ و ۱۱ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ می‌تواند ضمن دعوی عمومی، اقامه‌ی دعوی خصوصی نماید و در صورت تعقیب متهم، مطابق ماده ۱۵ قانون مذکور تا قبل از اعلام ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود (جبران خسارت) را به دادگاه کیفری ارائه نماید. اما با توجه به این مهم که مطالبه‌ی ضرر و زیان و رسیدگی به آن مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است که به موجب آن اقامه‌ی دعوای مالی مستلزم رشید بودن و دارا بودن اهلیت استیفا است و مسلم است کودکان تا زمانی که به سن بلوغ و رشد نرسیده‌اند، اهلیت طرح دعوای مالی را نخواهند داشت؛ بنابراین دادخواست جبران خسارت باید از سوی ولی یا قیم کودک به دادگاه ارائه شود. اما همواره این احتمال وجود دارد که ولی یا قیمی که خود مرتکب جرم شده است از ارائه‌ی دادخواست جبران خسارت استنکاف ورزد و موضوع جبران خسارت که باید در اسرع وقت و بدون فوت زمان به آن رسیدگی شود، معطل بماند. ق آ د ک ۱۳۹۲ در ماده ۷۰ برای بزه‌دیده‌ی محجور، در مواردی که تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی است و ولی یا قیم خود مرتکب جرم شده، دادستان را موظف به تعیین قیم موقت می‌نماید. بنابراین، قانون جدید صراحتاً به دعوی خصوصی نپرداخته است، اما با قدری تأمل و تعمق می‌توان، اقامه دعوی و تعقیب مندرج در ماده را حمل بر حیثیت خصوصی جرم دانست که تعدی به

1. order of restitution

2. victim impact statement

3. United states department of justice , 2015

4. www.mdcrimevictims.org

حقوق شخص یا اشخاص معین به حساب می‌آید و با تقاضای شاکی خصوصی در مورد بحث؛ دادخواست قیم اتفاقی یا موقت برای جبران خسارت از کودک شروع می‌شود. در ماده ۷۱ ق آدک ۱۳۹۲ نیز برای کودک بزه‌دیده‌ای که ولی قهری یا سرپرست قانونی او با وجود مصلحت او اقدام به شکایت نکند، دادستان را مکلف به تعقیب موضوع دانسته است.^۱ راهکار دیگری که در این مورد به نظر می‌رسد این است که حتی در مواردی که تقاضایی از سوی ولی یا قیم کودک مبنی بر جبران خسارت کودک به دادگاه مطرح نشده باشد، علاوه بر صلاحیت دادستان، دادگاه با بهره‌گیری از قضات متخصص به حقوق کودک، رأساً با بررسی اوضاع و احوال جرم صورت گرفته و با اخذ نظر کارشناس و با در نظر گرفتن میزان زیان دیدگی کودک، حکم به جبران خسارت دهد. صدور حکم به جبران ضرر و زیان وارد بر کودک در دادگاه کیفری می‌تواند به جبران خسارت فوری و بدون هزینه یاری رساند. بدین ترتیب، در سطح سیاست جنایی قضایی باید به جبران خسارت کودک از طریق دادگاه کیفری که ابزاری سریع و مؤثر برای احقاق حقوق کودک است، جامه‌ی عمل پوشانید.

۱-۱. خسارت معنوی

ارتکاب جرم علیه کودک، ولو بدون ایراد خسارت مادی، موجب آزرده‌گی خاطر او می‌شود و در شرایط خاص می‌تواند موجب ضررهای شدید معنوی گردد. بدون شک وضعیت کودکی که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان شده است با پیش از وقوع جرم تفاوت دارد، احیاناً دیگر نمی‌تواند زندگی عادی خود را ادامه داده و در تحصیل و کسب و کار و سایر موارد موفق باشد. قربانی شدن، آثار متعدد و متنوعی دارد، از یک سو خسارات مالی بر شخص وارد می‌شود و از سوی دیگر خسارات روحی و روانی را بر او متحمل می‌سازد که به مراتب از خسارات مالی سنگین‌تر و مهم‌تر هستند. این آزرده‌گی خاطر که از آسیب به عواطف و احساسات کودک یا حیثیت او نشأت می‌گیرد با توجه به نوع جرم، شدت آن، اوضاع و احوال حاکم بر جرم، ارتباط مرتکب با کودک و سایر مولفه‌ها بازتاب‌های گوناگونی دارد که تحت عنوان درد و رنج عاطفی و حیثیتی یا همان آسیب معنوی مطرح است. حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا در

۱. همچنان که به حکایت ماده ۳۵۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ «اگر مجنی علیه یا ولی دمی که صغیر است، ولی نداشته باشد و یا ولی او شناخته نشود و یا به او دسترسی نباشد، ولی او مقام رهبری است و رئیس قوه قضائیه با استیذان از مقام رهبری و در صورت موافقت ایشان، اختیار آن را به دادستان‌های مربوط تفویض می‌کند».

موارد وقوع جرم علیه کودک، در اسناد بین‌المللی و حقوق ایران در مورد ضرر و زیان‌های معنوی با توجه به آثار روانی جرم از جمله، عدم توانایی لذت از زندگی، بیماری‌های روانی و بیماری‌های جسمی ناشی از استرس مثل شب‌ادراری، اعتماد به نفس کم، مشکلات یادگیری مثل عدم تمرکز و انزوا و... که تأثیرات آن مدتی بعد از ارتکاب جرم ظاهر می‌شود، راهکارها و تدابیر قانونی اندیشیده شده است؟

مطالبه‌ی ضرر و زیان‌های معنوی مطابق برخی اسناد بین‌المللی حمایت از کودکان بزه‌دیده پذیرفته شده است. به عنوان مثال، مطابق پاراگراف اول ماده ۲۴ قانون نمونه محافظت از کودکان ژانویه ۲۰۱۳ «کودکی که بر اثر موارد تخطی از این قانون قربانی شده است، حق دارد بابت هر گونه آسیب و صدمه وارده غرامت کامل دریافت کند. غرامت باید عادلانه و مناسب جبران موارد زیر را بنماید: خسارت‌های روحی ناشی از جراحات‌های جسمانی و آزار و اذیت‌های روانی...».

در حقوق ایران، ماده ۹ ق.آ.د.ع.ا. در امور کیفری ۱۳۷۸ ضرر و زیان مادی و منافع ممکن الحصول را به صراحت به رسمیت شناخته بود، حال آنکه از جبران خسارت‌های معنوی نامی نمی‌برد. تا قبل از تصویب ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ و تدوین لایحه حمایت از بزه‌دیدگان، این نوع خسارت از ردیف خسارت‌های قابل مطالبه حذف شده بود. پیش از این، جبران ضرر و زیان‌های معنوی بر پایه‌ی بند ۲ ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۰ امکان پذیر بود. گرچه در اصل ۱۷۱ قانون اساسی ایران مطالبه‌ی خسارت‌های معنوی پذیرفته شده است و در ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد شود، می‌تواند از کسی که لطمه آورده است، جبران زیان مادی یا معنوی خود را بخواهد ولی به نظر می‌رسد که ق.آ.د.ع.ا. در امور کیفری ۱۳۷۸ برخلاف قانون اساسی نظر مخالفان خسارت معنوی را برگزیده است؛ زیرا، تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و تدوین لایحه‌ی حمایت از بزه‌دیدگان در مورد ضرورت جبران خسارت‌های معنوی میان حقوق‌دانان اتفاق نظر وجود نداشت. از دلایل مخالفان این بود که نه تنها تقویم خسارات معنوی به پول، دشوار و با مشکلاتی همراه است بلکه نوعی اهانت به شخصیت بزه‌دیده تلقی می‌گردد. در مقابل موافقان بر این عقیده بودند که جبران خسارت معنوی راهی است برای تسکین آلام و تأمین خرسندی‌های معنوی و ترمیم خاطر بزه‌دیده و پرداخت مبلغی پول به زیان‌دیده راه دستیابی به این اهداف را هموار می‌سازد (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱: ۱۴۶-۱۴۵).

طبق تعاریف مختلفی که حقوق دانان از خسارت معنوی نموده‌اند؛ خسارت معنوی در یک عبارت کلی دربرگیرنده‌ی خسارات غیرمالی است که این تعریف تا حدودی مشکل است؛ زیرا «ضرر یا خسارت» و «معنویت» هر دو مفاهیم گسترده‌ای هستند که از نظر معیارهای منطقی قابل تحلیل نمی‌باشند. در یک تعریف آمده: «خسارت معنوی عبارت است از جریحه دار کردن و لطمه زدن به بعضی از ارزش‌ها که جنبه معنوی دارند». در تعریف دیگر آمده که خسارت معنوی صدمه به منافع عاطفی و غیرمالی است. در تعریف دیگر این گونه آمده است: خسارت معنوی عبارت است از خسارت وارد بر شهرت، حیثیت و آبرو، معتقدات مذهبی، زیبایی، احساسات و عواطف و علائق خانوادگی (مالکی زاده، ۱۳۸۷: ۸).

نویسندگان قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و تدوین کنندگان لایحه‌ی حمایت از بزه‌دیدگان^۱ این نوع خسارت فراموش شده را احیاء نموده و ضمن ارائه‌ی تعریف از این نوع خسارت، مطالبه‌ی آن را از بزه‌دیدگان پذیرفته و به نحوه‌ی جبران آن نیز تصریح نموده‌اند. لایحه‌ی حمایت از بزه‌دیدگان صراحتاً در ماده ۱، خسارت معنوی را با ذکر نحوه‌ی جبران آن، یکی از موارد حمایت از بزه‌دیدگان برشمرده و ماده ۱۴ ق آدک ۱۳۹۲ نیز تصریح بر این امر دارد که شاکی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند.

تدوین کنندگان لایحه‌ی حمایت از بزه‌دیدگان نیز طی تبصره ۱ ماده ۲ این لایحه، ضمن ارائه‌ی تعریفی از خسارت معنوی به نحوه‌ی جبران آن نیز اشاره نموده‌اند که مطابق آن: «خسارت معنوی عبارت است از: صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی یا خانوادگی که جبران آن از طریق اعاده حیثیت و اعتبار و یا تعیین میزان هزینه‌های رفع صدمات روحی پس از اخذ نظر کارشناس صورت می‌گیرد» و در نهایت، ق آدک ۱۳۹۲ در تبصره ۱ ماده ۱۴ مقرر نموده: «زیان معنوی عبارت از صدمات روحی، هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است. دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم نماید».

۱. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۸۸-۱۳۸۴) مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ در بند د ماده ۱۳۰، قوه قضائیه را موظف ساخت که لایحه‌ای به نام «حمایت از بزه‌دیدگان اجتماعی» را تهیه و به تصویب برساند. لایحه حمایت از بزه‌دیدگان به منظور حمایت از بزه‌دیدگان و جبران خسارت آنان توسط کمیسیون لوایح دولت، در ۱۰ ماده تهیه شده و برای تصویب نهائی از قوه قضائیه به هیئت وزیران ارجاع شده است و پس از بررسی و کارشناسی در کمیسیون لوایح دولت، برای تصویب به مجلس ارائه می‌شود.

با مذاقه در تعاریف ذکر شده در دو مقررہ مذکور، این آورده حاصل می آید که ق آدک ۱۳۹۲ و لایحه حمایت از بزه دیدگان، صرفاً به ذکر تعریف خسارت معنوی بسنده ننموده‌اند و به نحوه‌ی جبران و رفع این گونه صدمات نیز پرداخته‌اند. بدین سان بعد از ارتکاب کودک آزاری مطابق تبصره ۱ ماده ۱۴ ق آدک ۱۳۹۲ می‌توان از طریق ملزم نمودن مرتکب جرم به عذرخواهی از کودک و درج حکم در جراید به رفع این گونه ضرر و زیان‌های معنوی پرداخت و موجبات ترمیم و آسودگی خاطر کودک بزه‌دیده را فراهم نمود و علاوه بر آن، نمونه‌ی دیگر جبران خسارت معنوی در تبصره ۱ ماده ۲ لایحه‌ی حمایت از بزه‌دیدگان آمده که با تعیین میزان هزینه‌ها پس از اخذ نظر کارشناس می‌توان از بزه‌دیده رفع صدمات نمود. علی‌رغم اینکه بسیاری از حقوق‌دانان بر این عقیده‌اند که «جبران خسارت معنوی به آن معنی نیست که در قبال خسارت پول دهد بلکه صرف صدور حکم محکومیت و مجرمیت معنوی از نظر نمادی [ن] خودش یک نوع جبران است و این گونه خسارت‌ها قابل تقویم به پول نیست» (نجفی ابرند آبادی، ۷۴-۱۳۷۳: ۲۵۶)، اما با عنایت به لایحه‌ی حمایت از بزه‌دیدگان می‌توان گفت که خسارت معنوی نه تنها قابل تقویم به پول می‌باشد، بلکه از طریق پرداخت خسارت می‌توان تا حدودی موجبات تسکین آلام کودک را فراهم نموده و در نتیجه زمینه‌ی حمایت از آنان را که در حال حاضر در محاکم کشور ما محجور است، استوارتر نمود که با تصویب این لایحه، مسلماً گامی بلند در راستای حمایت از کودکان بزه‌دیده برداشته خواهد شد.

در کشور سوئد برای محاسبه‌ی نرخ خسارات در خصوص صدمات روحی، نوع و شدت جراحات روحی وارد بر کودک بزه‌دیده بررسی شده و تاثیر آتی آن بر زندگی قربانی تحلیل می‌گردد و برای درد و رنج عاطفی، غرامت مالی بر اساس درجه‌ی رنج محاسبه شده و با عنایت به نتایج صدمات روانی که بر اساس نظر روانشناس یا پزشک متخصص مشخص می‌شود، نرخ تعیین می‌گردد. در کشور آلمان جدول پرداخت وجود دارد که حداقل و حداکثر میزان غرامت را برای هر جرم مشخص می‌نماید و با وجود معین بودن میزان غرامت در جدول مزبور، مقامات این قدرت را دارا هستند تا میزان غرامت را با توجه به اوضاع و احوال پرونده کاهش یا افزایش دهند (Vinson, Elkins, 2013: 31-39). بدین سان، جایز است با الگوبرداری از مقررات و رویه‌ی کشورهای آلمان و سوئد نحوه‌ی محاسبه‌ی خسارات غیرمادی را در راستای حمایت و ترمیم هر چه بهتر کودک بزه‌دیده در مقررات ایران گنجانند و در چرخه‌ی کیفری با اخذ نظر روانشناس بالینی و روانپزشک متخصص و با در نظر گرفتن میزان صدمات روحی و اثرات ناگوار آن، این

گونه لطمات را تخمین نمود. هرچند که پرداخت پول به کودک و خانواده‌اش همواره التیام بخش بزه رخ داده شده نمی‌باشد، اما با توجه به آلام روحی وارد بر کودک، رجوع به روانشناس یا مراکز سلامت روانی همواره مورد نیاز است که این امر در کشور ما مستلزم صرف هزینه‌های بسیاری است، چه بسا که این آلام روحی خفیف در آینده‌ای نزدیک به پیامدها و لطمات روانی-ای منجر شود که درمان‌های سنگین‌تر، طولانی‌تر و پرهزینه‌تر نظیر رجوع به روانپزشک و درمان از طریق جلسات روان درمانی و مصرف داروهای متعدد را مورد نیاز سازد.

راه حل مندرج در ق آدک ۱۳۹۲ برای ترمیم صدمات معنوی مبنی بر الزام بزهکار به عذرخواهی از بزه‌دیده و درج حکم در جراید هرچند نوآوری چشمگیری برای جبران صدمات معنوی می‌باشد، اما این نوع ترمیم با قدری تأمل به نوبه‌ی خود، خالی از اشکال نیست. هرچند رویارویی کودک و بزهکار در یک نشست با حضور خانواده‌ی کودک و مقامات و الزام مجرم به عذرخواهی از کودک فواید مثبت زیادی دربر دارد و در فراموشی واقعه از ذهن کودک و ترمیم آثار روحی و آسودگی خاطر کودک مثرتر خواهد بود و موجب می‌شود در آینده‌ای نزدیک کودک در مواجهه‌ی مجدد با بزهکار در اماکن عمومی احساس هراس کمتری داشته و همچنین، عطش انتقام جویی را در بزهکار خاموش می‌نماید. رفع ضرر و زیان معنوی کودک از طریق انتشار حکم در جراید مبنی بر محکومیت مرتکب کودک آزاری و عذرخواهی او از کودک هر چند امکان دارد جنبه بازدارنده داشته باشد اما با عنایت به اینکه در دادنامه قطعاً نام کودک بزه‌دیده نیز به عنوان شاکی درج می‌شود و با توجه به حساسیت بالای عدم افشای هویت و اطلاعات کودک به لحاظ حفظ آبرو و حیثیت و تأمین امنیت وی، آیا مراعات این امر در مرحله‌ی صدور حکم الزامی نیست؟ آیا جبران ضرر معنوی از طریق پرداخت خسارت مندرج در لایحه حمایت از بزه‌دیدگان نسبت به جبران ضرر از طریق انتشار حکم در جراید مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری راه حل مناسب‌تری به نظر نمی‌رسد؟

در پاسخ به این پرسش می‌توان اذعان داشت که رفع صدمات روحی از طریق انتشار حکم در جراید راه حل مناسبی است اما برای رعایت عدم افشاء هویت و اطلاعات کودک به خاطر تأمین امنیت و حفظ حرمت و شخصیت وی، نام و مشخصات کودک در دادنامه‌ای که برای انتشار در جراید در نظر گرفته می‌شود حذف خواهد شد، همچنین، این حکم در موارد معین حسب نظر دادگاه و مطابق صلاحدید کودک صورت گیرد، چه بسا زمانی که کودک به بزرگسالی می‌رسد

آثار روحی و روانی ناشی از انتشار حکم در جراید از آثار روحی و روانی خود جرم نیز بیشتر باشد. پس با حذف مشخصات کودک در حکم و انتشار آن در جراید می‌توان به رفع این گونه صدمات پرداخت. البته، طرق مطروحه در ماده ۱۴ ق آذک ۱۳۹۲ تمثیلی هستند و امکان صدور حکم جبران خسارت معنوی به طرق مورد نظر قاضی که اقتناع‌کننده برای بزه‌دیده باشد، نیز وجود دارد. خسارات معنوی در مقاله حاضر به دو گونه الف) درد و رنج یا آسیب عاطفی و حیثیتی و ب) آسیب روانی تقسیم می‌شود، و مبنای این تفکیک نیز با تحقیق و مطالعه‌ی تطبیقی نگارنده در منابع مختلف داخلی و بین‌المللی و به همین سان، از نحوه‌ی مداوای هر کدام از آسیب‌ها حسب مورد مداخلات روانشناسی و مشاوره و در شکل حادث‌تر خود درمان‌های روانپزشکی و مصرف دارو بدست آمد. اگرچه در بسیاری قوانین متعدد کشورهای اروپایی و در کتب متعدد مرتبط با بزه‌دیده‌شناسی و حقوق کودکان، درد و رنج یا لطمات حیثیتی و آسیب روانی در کنار هم و در زمره‌ی یک نوع خسارت و تحت عنوان کلی خسارات معنوی برشمرده شده‌اند، بعنوان نمونه؛ در کتب متعدد بزه‌دیده‌شناسی کشور کانادا رنج عاطفی با شوک عصبی و روانی در کنار هم آمده‌اند (Vinson, Elkins, op, cit: 11)، اما بررسی دقیق نگارنده را به این سمت کشاند تا تقسیم بندی دقیق‌تر و جزئی‌تر با عنایت به حساسیت این نوع خسارت و برای درک بهتر مطلب برای خوانندگان فراهم آورد.

۱-۲-۱. خسارات ناشی از لطمه به آبرو و حیثیت یا آسیب عاطفی و حیثیتی

آسیب عاطفی یا حیثیتی مفهوم روان‌شناختی داشته و به معنای تأثیرپذیری یا واکنش روانی است که در برخورد با امور بیرونی در ذهن پدید می‌آید و به شکل‌هایی مانند ترس، کینه، خشم و درد نمایان می‌شود. خسارت ناشی از آبرو، لطمه زدن به یکی از حقوق مربوط به شخصیت و آزادی‌های فردی و حیثیت و شرافت بزه‌دیده است که می‌توان آن را سرمایه‌ی معنوی نامید. البته این خسارات و لطمات باید ناشی از جرم باشد (مالکی زاده، ۱۳۸۷: ۸؛ عباچی، ۱۳۸۴: ۲۰۰).

قانون انگلستان درد و رنج عاطفی^۱ را اختلال اضطراب پس از بزه تعریف می‌نماید^۲ و افسردگی و علائم روانی را از قبیل، بی‌خوابی، فقدان اعتماد به نفس، انزوایی می‌داند و در ادامه متذکر می‌شود که چنین صدمات روحی نیاز است تا توسط پزشک متخصص یا کلینیک روانشناسی شناسایی گردد. اصطلاح رنج عاطفی در کشور کانادا شامل شوک عصبی و حتی حاملگی را نوعی درد عاطفی شمرده است (Vinson, Elkins, op.cit: 11).

به نظر این گونه آلام احساسی و عاطفی که از آزرده‌گی خاطر و جریحه‌دار شدن احساسات کودک ناشی شده است، از طریق حمایت‌های روانشناسانه یا مداخله‌های روان‌شناختی بدون آنکه نیاز به درمان‌های پزشکی و روانپزشکی باشد، ترمیم پذیر بوده و تشکیل جلسات درمانی و مشاوره با حضور افرادی که دانش و اطلاعات کافی در حوزه حقوق کودکان و مهارت‌های ارتباطی ویژه دارند، برای ایجاد اطمینان خاطر روحی مجدد در کودک و نجات او از کاستی‌های عاطفی بسیار مثمرتر باشد. همان‌طور که حمایت‌های عاطفی و مشاوره در راستای ترمیم درد و رنج‌های عاطفی مؤثر است، سرزنش کودک نیز به همان میزان بر نگرانی و اضطراب او افزوده و موجب سلب امنیت روانی و آرامش روحی او خواهد گردید. بدین سان، باید با محبت و ابراز همدردی و همراهی و توجه ویژه به کرامت انسانی کودک، موجبات تسکین آلام وی را فراهم نموده و در جهت کاهش آسیب‌های ناشی از جرم کوشید. در صورت تصویب لایحه‌ی حمایت از بزه‌دیدگان و در حال حاضر با لازم‌الاجرا شدن ق آدک ۱۳۹۲، گامی بلند جهت حمایت از کودکان در راستای جبران نمودن خسارات روحی وی، برداشته خواهد شد و کودک بزه‌دیده که پس از تحمّل جرم، مسلماً با عنایت به عواملی چون صغرسن، ماهیت جرم، شدت و اهمیت آن، استمرار جرم، جنسیت مرتکب، متحمّل آسیب‌های شدید عاطفی و روانی نیز شده است، چه بسا تاثیرات روانی واقعه در سال‌های آتی زندگی کودک نمایان شود و از این رو مستحق درخواست جبران تمام صدمات وارده خواهد بود.

¹. mental suffering

². post- traumatic stress disorder

۱-۲-۲. خسارت روانی یا آسیب روانی

آسیب روانی نوعی نارسایی و یا اختلال و به عبارت دیگر گونه‌ای از بیماری است که در روان فرد پدید می‌آید و معیار عینی دارد و خود را در قالب رفتارهای سوء متعدد، از سوی بزه‌دیده‌ای که متحمل خسارت گردیده و از درون دچار اذیت و آزار می‌باشد، بروز می‌دهد. مرز میان آسیب‌های روانی و درد و رنج عاطفی و حیثیتی بسیار دقیق و نزدیک است. گسترش آسیب عاطفی ممکن است به یک آسیب یا بیماری روانی منتهی شود که در این صورت اقدام‌های درمانی ضروری است (مالکی زاده، ۱۳۸۷: ۱۰). بدین سان، وجه تمایز این نوع خسارت با خسارات ناشی از لطمات وارده به آبرو و حیثیت این است که خسارات روانی شکل گسترده و شدیدتری نسبت به خسارات عاطفی بوده و ترمیم خسارات روانی با مشاوره و مداخلات روانشناسی کافی نبوده و درمان پزشکی و اقدامات روانپزشکی را می‌طلبد.

تعمق و تدبیر در اسناد متعدد بین‌المللی تصویب شده تا سال ۲۰۱۳ میلادی، هر چند به تصریح اسناد متعددی، از جمله، ماده ۱۴ کنوانسیون اروپایی شورای اروپا در مورد خشونت در خانواده ۲۶ مارچ ۱۹۸۵، ماده ۴۳ و ۴۶ اصول راهبردی به منظور اعمال در مورد اطفال در نظام عدالت کیفری ۱۹۹۷، بند ۲ ماده ۳ کنوانسیون اروپایی شورای اروپا در مورد مساعدت به بزه‌دیدگان جرایم ۱۴ جون ۲۰۰۳، ماده ۲۳ اصول راهبردی در مورد عدالت برای اطفال بزه‌دیده و شهود ۲۰۰۴، ماده ۱۴ کنوانسیون اروپایی شورای اروپا حمایت از کودکان علیه استثمار جنسی و سوءاستفاده جنسی لنزاروت^۳ بر حمایت‌های عاطفی یا روحی و روان‌شناختی از بزه‌دیدگان خصوصاً کودکان بزه‌دیده به وضوح، واقف شده، اما نسبت به پذیرش خسارت روانی در خصوص بزه‌دیدگان و کودکان بزه‌دیده به نتیجه‌ای دست نیافته است. اما خوشبختانه تفحص در جدیدترین سند بین‌المللی، تحولی شگرف را در این زمینه نشان می‌دهد. در بند a از پارگراف اول ماده ۲۴ قانون نمونه محافظت از کودکان ژانویه ۲۰۱۳، جبران خسارات روحی ناشی از آزار و اذیت‌های روانی، لازم دانسته شده و علاوه بر رفع ضرر و زیان‌های روحی، رفع زیان‌های روانی نیز پذیرفته شده‌اند. اگرچه با توجه به اطلاقی که جبران ضرر و زیان معنوی دارد می‌توان گفت که جنبه‌ی معنوی مشتمل بر خسارت‌زدایی از جنبه‌های روانی و همچنین حیثیتی و عاطفی است

¹. Council of Europe, Committee of Ministers, on violence in the family, 26 March 1985

². Convention on Contract Concerning Children, Strasbourg, 15.V.2003

³. Council of Europe, Convention on the Protection of Children against Exploitation and Sexual Abuse, Lanzarote, 25.X.2007

و قائل به این تفکیک نبوده بلکه همه‌ی آنها را ذیل عنوان جبران ضرر و زیان معنوی آورده است، اما با توجه به توجیه نگارنده در ابتدای مبحث، برای حمایت هر چه بیشتر از کودک در فرایند کیفری لازم است تا خسارات و آسیب‌های روحی از خسارات روانی تفکیک نماییم تا هم برای مجازات کودک آزار تصمیم‌گیری مناسب و عادلانه‌ای بعمل آید و هم برای هر کدام از آسیب‌ها، درمان‌های مقتضی تجویز گردد تا آلام روحی و روانی کودک به نحو احسن اعمال گردد. چنان‌که «دادگاه عالی کالیفرنیا در پرونده‌ای حکم نمود که تمایزی میان صدمات روحی و حیثیتی و صدمات روانی وجود ندارد و اگر تمایزی بین این دو نوع خسارت باشد، صدمات روانی قابل جبران نیست. اما در این زمینه استثنائی قائل شده و آن هم ضرر و زیان جنسی به کودک است که آسیب‌های روانی کودک باید جبران شود» (California penal code, section 288, Vinson, Elkins, op,cit: P 72)، اما در نظام عدالت کیفری ایران تا به حال و با وجود تصویب ق آدک ۱۳۹۲ و تدوین لایحه‌ی حمایت از بزه‌دیدگان علی‌رغم پذیرش خسارت معنوی عاطفی، نسبت به خسارت روانی کودکان توجه خاصی نشده است و در حال حاضر خسارت روانی هم چنان جبران نشده باقی می‌ماند و بزه‌دیدگان از مطالبه‌ی چنین خسارتی محروم هستند. اما به نظر می‌رسد بتوان تحت تأثیر اسناد بین‌المللی، خسارات روانی کودکان را در حقوق داخلی ایران پیش‌بینی و راه‌های جبران آن را برآورد نمود، چه آنکه حمایت از کودک بزه‌دیده که دچار افسردگی و انزوای گریخته، موجب بازسازی موقعیت و توانمندسازی و بازگشت مجدد او به اجتماع می‌شود. البته، در حال حاضر با وجود فقدان مقرر قانونی، می‌توان با تاسیس ارگان‌ها یا کلینیک‌هایی برای کودکان بزه‌دیده، در کنار حمایت‌های مادی، مساعدت و حمایت‌های عاطفی و روانی یا مداخلات بهداشت روانی نیز بعمل آورد. اقدامات روان‌درمانی و خدمات پزشکی شکلی اجتناب‌ناپذیر از ترمیم خواهد بود و کودکان را قادر خواهد ساخت تا با تجربه‌شان از طریق از بین بردن یا کنترل اضطراب و افسردگی با نگرانی‌های ناشی از بزه‌دیدگی‌شان مقابله کنند و هم‌زمان با بهبود جسمانی و روانی به عنوان اعضای شرکت‌کننده در جامعه به پیش روند. لازم به ذکر است کودکان بزه‌دیده به محض اولین تماس با نهاد عدالت کیفری، باید اطلاعات شفاهی و کتبی را در مورد حقوق خود و خدمات در دسترس دریافت کنند. مقامات پلیس، دادسرا، دادگاه باید وی را نسبت به تمامی حقوقشان از بدو ورود به فرایند کیفری آگاه سازند و این آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی از اهمّ وظایف مقامات در مواجهه با کودک محسوب می‌شود (هدایت، ۱۳۹۲: ۵۶). ق آدک ۱۳۹۲ در ماده ۶ به لزوم آگاه‌سازی بزه‌دیده و شاهد نسبت به

حقوق خود در فرآیند دادرسی و فراهم سازی سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق تصریح شده است. ماده مذکور سابقه تقنینی ندارد و متأثر از اصول پایه و تحولات بزه‌دیده‌شناسی وضع گردیده است، به همین سان، در ماده ۳۸ همین قانون، ضابطان دادگستری مکلف شده‌اند، شاکی را از حق درخواست جبران خسارت و... آگاه سازند. می‌توان حکم این دو ماده را با وحدت ملاک به کودک بزه‌دیده نیز تسری داد. ایرادی که می‌توان برای این ماده ذکر کرد، این است که وظیفه‌ی آگاه‌سازی تنها شامل ضابطان دادگستری نیست و تمامی مقامات پلیس، دادر، دادگاه و اجرای احکام با در نظر گرفتن حساسیت موضوع باید این مهم را مدنظر قرار داده و به این حق مسلم کودک نمود عملی بخشند. اما توجهی که می‌توان برای ماده ۳۸ آورد اینست که نیروی پلیس، اولین مکانی است که کودک جهت مساعدت مراجعه می‌کند و خود را در دسترسی به این مرجع و ارائه‌ی کمک و خدمات از طرف این نهاد محق می‌داند. بدین سان، کودکان به محض اولین تماس با نیروی پلیس، باید اطلاعات جامعی را در مورد حقوق خود از جمله حق جبران خسارت و خدمات در دسترس دریافت کنند. مراکز پلیس باید وی را نسبت به تمامی حقوقشان از بدو ورود به فرآیند کیفری آگاه سازند. با این تفسیر، در نظام عدالت کیفری ایران، ضرورت پیش‌بینی ماده قانونی جداگانه‌ای مبنی بر لزوم آگاهی دهی به کودک بزه‌دیده از سوی تمامی مقامات عدالت کیفری و در تمامی مراحل قانونی در مورد حق جبران خسارت در فرآیند دادرسی امری ضروری به نظر می‌رسد.

شایان ذکر است که اهمیت اعمال حق جبران خسارت در زمان مناسب و به موقع و به نحو تمام و کمال، اهمیتی به اندازه‌ی جبران خسارت دارد. مراجع قضایی باید در اسرع وقت و بدون تاخیر غیرمعقول با ارجاع امر به کارشناسان متخصص و پزشکی قانونی به بررسی و شناسایی لطمات وارده بر کودک اقدام نموده و درصدد رفع آسیب‌ها تا سرحد ممکن بپردازند، زیرا، در صورتی که صدمات وارده بر کودک در زمان مناسب و به نحو کامل ترمیم نیابد یا شدت آسیب‌ها به طور دقیقی برآورد نشود، یقیناً، کودک در فرآیند کیفری متحمل بزه‌دیدگی ثانویه خواهد گردید که مضاف بر بزه‌دیدگی اولیه از رفتار ناخوشایند مقامات عدالت کیفری و اجرای نامناسب قوانین در عمل ناشی می‌شود. بدین سان، کودکانی که حقوق اجتماعی‌شان نقض شده است این حق را دارند که در زمان مقتضی و با توسل به شیوه‌های عادلانه، کم هزینه و قابل دسترس در صدد جبران صدمات وارده برآیند. در قانون حقوق بزه‌دیده آمریکای نیز در ماده ۶ به

حق جبران خسارت کامل و به موقع تصریح و در بند ۷ به دادرسی بدون تاخیر غیرموجه به صراحت اشاره داشته است.^۱

اما نباید از نظر دور داشت که تنها پیش‌بینی سازوکارهای قانونی در زمینه‌ی جبران خسارت از کودکان بزه‌دیده وافی به مقصود نبوده و شرط لازم، پیش‌بینی سازوکارهای اجرایی و ساختاری منسجم و کارآمد جهت اجرای عملی و نظام‌مند مقررات مزبور است تا حقوق کودکان که آینده‌سازان فردای جامعه هستند بیش از پیش تامین شود، چه بسا عدم اجرا یا اجرای ناموفق قانون هرچند بی‌نقص تدوین یافته باشد، بدون تردید با فقدان و یا ضعف آن قانون برابری می‌نماید.

۲. طریقه جبران خسارت در مرحله اجرای احکام

اجرای حکم به عنوان آخرین مرحله‌ی فرایند کیفری و نتیجه‌ی زحمات مجموعه‌ی بزرگی از عوامل و نهادهای دخیل در این فرایند اهمیت بسزایی دارد و اجرای درست مجازات‌ها یا اقدامات تأمینی و تربیتی، یعنی برآوردن اهداف عدالت کیفری و اجرای ناصحیح؛ یعنی هدر رفتن این زحمات (گرماپی، ۱۳۹۰: ۱۰۲). در این مقطع، دولت‌ها باید تشویق شوند تا به بررسی وضعیت مرتکبین خشونت که در حال گذران مجازات خود می‌باشند و کودکان بزه‌دیده بپردازند و اما اینکه در مرحله‌ی اجرا از چه طریقی می‌توان از کودک خسارت‌زدایی نمود؟ همان‌گونه که تاکنون دانستیم؛ کودکان بزه‌دیده شایسته‌ی بهره‌مندی از حقوقی در فرآیند کیفری می‌باشند تا از رهگذر آن بهتر بتوانند برای دسترسی به عدالت و جبران آسیب‌ها و زیان‌دیدگی‌های خود اقدام کنند. در این قسمت به این مهم پرداخته می‌شود که این جبران در وهله نخست؛ جبران خسارات وارد بر کودک اصولاً بر دوش بزه‌کار یا دیگر اشخاصی است که پاسخگوی رفتار بزه‌کارند. اما چنانچه بزه‌کار یا دیگر منابع "مانند بیمه خصوصی" نتوانند خسارات وارده بر کودک را تمام و کمال جبران کنند تکلیف چیست و آیا باید حق و حقوق پایمال شده‌ی کودک و خسارات روحی و روانی وارد بر او را از دست رفته دانست؟ با مذاقه در مطالب این قسمت می‌توان به پاسخ این پرسش‌ها نائل گردید.

۱-۲. جبران خسارت از سوی بزه‌کار

از ابزار جبران خسارت باید به منزله‌ی یک شیوه‌ی جبران برای پاره‌ای از زیان‌های وارده بر کودک بزه‌دیده و نیز شیوه‌ای برای پاسخگو ساختن بزه‌کار، بهره‌گیری کرد. به دیگر سخن،

^۱ U. S. Code S3771- Crime Victimks Rights, Cornell University Law School, www.law.cornell.edu/uscode/text/18/3771/chapter 237

ایده‌ی جبران خسارت، ارتقای حس مسؤولیت‌پذیری شخصی نسبت به کودک است. بدیهی است وقتی جرمی رخ می‌دهد و کسی از رهگذر وقوع آن خسارت می‌بیند، همه‌ی نگاه‌ها در مرحله‌ی اول متوجه بزه‌کار است، کسی که با نقض قانون و با مخالفت با اراده‌ی قانون‌گذار به دیگری صدمه وارد کرده است (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۵: ۷۱). با وقوع جرم، کودک متحمل خسارات عدیده‌ای می‌شود. حتی در شرایط جبران خسارات مالی، بزه‌دیدگان آرزو می‌کنند که به وضعیت پیش از وقوع بزه بازگردند. بی‌شک ترمیم لطمات و ضرر و زیان ناشی از جرم از طریق مسؤول دانستن کودک آزار ضمانت‌اجرایی مناسب و مؤثر برای بازگشت دوباره‌ی کودک به زندگی عادی است.

در ایالت کالیفرنیا، در شرایطی که مجرم علاوه بر جبران خسارت، به زندان یا تعلیق مراقبتی محکوم گردد، مقامات دادگاه مسؤول جمع‌آوری خسارت از بزه‌کار و پرداخت آن به بزه‌دیده می‌باشند که با اخذ کامل مشخصات شامل، تلفن، آدرس این وظیفه را انجام می‌دهند و بزه‌دیده باید با این افراد یا هر ماموری که خسارت را جمع‌آوری می‌کند، تماس داشته و در صورت نقل مکان و تغییر آدرس پستی، بزه‌دیده باید آدرس و شماره تلفن جدید را حسب مورد به مقامات محلی یا مقامات دادگاه بدهد. اگر اطلاع‌رسانی بزه‌دیده پس از نقل مکان به موقع و دقیق نباشد، در صورت عدم به‌روز رسانی اطلاعات، فرایند پرداخت خسارت با تاخیر مواجه خواهد شد. در مواقع پرداخت جبران خسارت در مواعد متعدد «به اقساط»، اگر نزدیکترین موعد پرداخت نشده است، سیستم اطلاع‌رسانی خود را به روز رسانی می‌کند تا در سریع‌ترین زمان، خسارت از بزه‌کار جمع‌آوری گردد.^۱

باید توجه داشت که بزه‌کار موظف است خسارات کودک را بطور کامل جبران کند؛ به عبارت دیگر مسؤولیت بزه‌کار در این قسمت محدود نیست، بر خلاف جبران دولتی خسارت که بیشتر کشورها، محدودیت‌هایی را در میزان پرداخت خسارت و نوع خسارت وارده دارند. به گونه‌ای که جبران دولتی را تنها در خصوص زیان‌دیدگان جرایم خشونت‌بار و برخی جرایم علیه اموال و تا میزان خاصی اعمال کرده‌اند، به هر حال بزه‌کار باید دینش را پرداخت کند حال به هر میزان و مقدار که می‌خواهد باشد (حاجی ده آبادی، پیشین: ۸۷). البته، می‌توان ترتیبات ویژه‌ای را برای تشویق مرتکبان کودک‌آزاری به جبران خسارت زود هنگام مقرر نمود. از جمله اینکه،

^۱ Financial Recovery: A victims Guide to restitution, The Great Seal of the State of California, 2014:12, www.calvcp.ca.gov

چنان چه مرتکب علاوه بر جبران خسارت به مجازات اضافی نظیر، جزای نقدی یا حبس و... محکوم شده باشد، اگر از کودک جبران خسارت کند، از رهگذر به کار نبردن تدابیر اضافی نظیر، تعلیق جزای نقدی یا حبس از مسؤولیت‌پذیری مجرم حمایت و او را تشویق به این کار نمود.

۲-۲. جبران دولتی خسارات وارده به کودک بزه‌دیده

ارتکاب جرم علیه کودک، موجب ضررهای شدید مادی و معنوی می‌گردد که بزهکار در زمان مناسب باید از طریق ساز و کارهای مناسب، در صدد جبران خسارت کودک برآید. اما در مواردی که بزهکار توان پرداخت تمام مبلغ خسارت را ندارد یا ناشناخته، فراری یا معسر است، چگونه باید آسیب‌های وارده جبران شوند و چه تدابیری را باید برای نایل شدن کودک به حقوقش به کار بست.

به جرات می‌توان اذعان نمود که مهم‌ترین دغدغه‌ی خاطر بزه‌دیدگان جرایم، پیش از آنکه اجرای مجازات بر بزه‌کار باشد، جبران خساراتی است که در نتیجه‌ی وقوع جرم متحمل شده‌اند. اصل و قاعده‌ی اولی در این زمینه آن است که بزهکار مسؤول جبران خسارت بزه‌دیده است، اما عوامل مختلفی باعث شده است تا این اصل در موارد متعددی جامه عمل نپوشد و بزهکار به هیچ وجه خسارت بزه‌دیده را جبران ننماید. گاه بزهکار تنها بخشی از خسارت را جبران می‌کند و گاه فاصله‌ی زمانی میان وقوع جرم و جبران خسارت توسط بزهکار طولانی است. همه‌ی این‌ها در حالی است که خسارت بالفعل بزه‌دیده، جبران بالفعل می‌طلبد. به ناچار باید در جستجوی شخص یا اشخاص دیگر برآمد که به این مهم اقدام نماید، و بی‌گمان دولت در این میان با توجه به وظایفی که بر عهده دارد، که از جمله مهم‌ترین آن‌ها حفظ امنیت شهروندان است و نیز با توجه به امکانات و منابع مالی بسیاری که در اختیار دارد، سهم فراوانی در این زمینه دارد. در نتیجه اصلی به نام جبران خسارت بزه‌دیده به هزینه‌ی دولت که از آن، گاه با عنوان اصل جبران دولتی خسارت یاد می‌شود تاسیس و به کار گرفته شده است (حاجی ده‌آبادی، پیشین: ۹۶).

جبران خسارت باید با صدمه وارده خاص متناسب باشد و نباید با توانایی پرداخت شخص محکوم مرتبط باشد (Victims Rights Working Group 2011: 10). در نتیجه، وقتی که پرداخت خسارت تماماً از سوی بزهکار یا مجرم جبران نمی‌شود یا دیگر منابع (مانند بیمه) در دسترس نیست، دولت‌ها باید در جهت تامین غرامت مالی تلاش نمایند. در بسیاری موارد، برخی دولت‌ها مقرراتی اتخاذ کرده‌اند و شیوه‌های خاصی برای پرداخت غرامت تاسیس کرده‌اند که

اغلب شامل تأسیس یک بنگاه یا صندوق پرداخت غرامت می‌شود.^۱ بنابراین، غرامت توسط دولت باید تا حداکثر جایی برای مداوا و بازپروری برای صدمات و جراحات فیزیکی و روانی پرداخت شود که خسارت به وسیله‌ی سایر منابع برای مثال مجرم پرداخت نگردیده است.

در ماده ۴۳ اصول راهبردی به منظور اعمال در مورد اطفال در نظام عدالت کیفری ۱۹۹۷ مقرر گردیده است که «دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند که دسترسی مناسبی برای کودکان بزه‌دیده و شهود در زمینه‌های معالجه، ترمیم، جبران خسارت و مساعدت اجتماعی فراهم است.»

در قانون کالیفرنیا دو نوع جبران وجود دارد: یکی حکم جبران خسارت^۲ که دین شخص مجرم به بزه‌دیده است و بر اساس آن قاضی موظف است تا بزه‌کار را ملزم نماید تا آن خسارت را پرداخت نماید و دیگری جریمه‌ی جبران خسارت^۳ است که دین مجرم به جامعه می‌باشد و قانون دولت، قضات را ملزم می‌نماید تا برای مجرم جوان یا بزرگسال حکم پرداخت خسارت را صادر نماید. در مرحله‌ی تعیین مجازات، قاضی موظف است برای مجرم جوان از یک دلار تا هزار دلار و برای مجرم بزرگسال از صد و چهل دلار تا ده هزار دلار جریمه صادر نماید که حداقل این میزان در ابتدای سال ۲۰۱۴ به صد و پنجاه دلار افزایش یافت. جریمه جبران خسارت از ناحیه‌ی مجرم به صندوق دولت می‌رود و یک منبع مالی اساسی برای Calvcp^۴ است و به بزه‌دیدگان در خصوص ضرر و زیان ناشی از جرم که از جرایم شدید ناشی شده است، مساعدت می‌نماید. جریمه‌های جبران خسارت در تضمین صندوق‌های دولتی برای کمک به گذشته و حال و آینده بزه‌دیدگان بسیار مهم هستند (Financial Recovery: A Victims Guide to Restitution, op.cit: 4).

در آمریکا صندوقی به نام FSVAF^۵ با خدماتی که ماهیتی فوری دارند، وجود دارد که در تمام ایالات متحده برای بزه‌دیدگان در دسترس است. مبالغی که این صندوق را تامین می‌نماید از جریمه‌های نقدی کیفری می‌باشد و زمانی که منابع دیگر در دسترس نیست، این صندوق به عنوان آخرین راه حل برای مخارج حمل و نقل، حمایت‌های فوری، مداخله در بحران و خدماتی برای مساعدت به بزه‌دیدگان جهت مشارکت در نهاد عدالت کیفری در نظر گرفته می‌شود. یکی

^۱. Declaration of Basic principles of Justice for victims of Crime and Abuse of power general assembly, resolution40/43, UN. 1985, Pa. 2

^۲. Restitution Order

^۳. Fine Restitution

^۴. California Victim Compensation Program

^۵. The Federal Crime Victim Assistance Fund

از مصارف این صندوق در سال ۲۰۱۴ در ایلی نويز بوده است که برای کمک به یک مادر و ناپدری یک بچه شش ماهه بوده است که پدر واقعی به او تجاوز جنسی نمود و صحنه‌ی آن را در اینترنت به تصویر کشید و محکوم به تولید، توزیع و نمایش تصاویر کودک شد (United States Department of Justice, Services to Crime Victims, 2014).

در کالیفرنیا، حتی کودکانی که در نتیجه‌ی شاهد بودن یک جرم شدید از آسیب روحی رنج می‌برند حتی اگر بزه‌دیده نبوده و هیچ ارتباطی با جرم نداشته باشند، مستحق دریافت غرامت دولتی می‌باشند که این قانون در سال ۲۰۰۹ در این کشور لازم‌الاجرا گردید (The California Victim Compensation Program. Vc gcb. Ca . gov/ vic-).

برای درخواست پرداخت غرامت دولتی در کشورهای مختلف نظیر بریتانیا فرم تقاضای کتبی وجود دارد و یا سرویس‌های آنلاین جهت پر کردن متن تقاضا در دسترس می‌باشد که مدت زمان آن بیش از بیست دقیقه نبوده و در صورت عدم دسترسی به سرویس‌های آنلاین، مشاوران مرکزی با شماره تلفن‌های خاصی در ساعات خاصی از روز برای این کار گمارده شده‌اند و برای کودک بزه‌دیده نیز والدین یا اشخاصی که مسؤولیت سرپرستی کودک را دارند، با ارائه‌ی مدرکی مبتنی بر رابطه‌ی خویشاوندی یا سرپرستی فرم تقاضا را کامل می‌کنند. در بریتانیا، حتی کودک زیر هجده سال که یکی از والدین و یا خویشان نزدیک را در اثر فوت از دست داده، قربانی به حساب آمده و به دلیل از دست دادن عشق و محبت، مراقبت و سرپرست آن فرد می‌تواند درخواست غرامت نماید و از طرف دولت، غرامتی نظیر بردن به کلاس‌های مختلف و سایر فعالیت‌ها در نظر گرفته می‌شود و استحقاق کودک به دریافت این گونه غرامت‌ها از تاریخ فوت والدین یا خویشاوند شروع شده و در روز قبل از تولد هجده سالگی‌اش پایان می‌پذیرد. مبلغ پرداختی به کودک دو هزار دلار برای کل سال می‌باشد.^۱

در کانادا، درخواست پرداخت غرامت دولتی باید در طول یک سال از تاریخ صدمه یا فوت به عمل آید. اما مقام مسئول این اختیار را دارد تا قبل یا بعد از انقضای یک سال، آن زمان را به مدت بیشتری گسترش دهد. بر این اصل مهلت تقاضای یک سال، دو استثنا آورده شده و یک مورد آن این است که اگر فرد صدمه دیده، در زمان ایراد صدمه یا جراحات به سن بلوغ نرسیده باشد، مدت یک سال بعد از رسیدن او به سن بلوغ شروع می‌شود و مورد دیگر درخواست پرداخت غرامت برای بزه‌دیده‌ی جرایم جنسی است که برای آن مهلتی پیش‌بینی نشده است

^۱. Criminal Injures Compensation: GOV.Uk. <https://www.gov.uk/> 2014

Victims Right and Services Act, Act of 1989, amended 1992, c. 36; 2000, c.4.)
(nslegislature.ca/legc/statutes/victims.Htm).

ملاحظه می‌شود که اصل جبران دولتی خسارت بزه‌دیده به یکی از ابزارهای مهم سیاست جنایی اکثر کشورهای اروپایی و آمریکایی تبدیل شده است، اما در حقوق ایران، ضابطه و معیار مشخصی در رابطه با این مهم ملاحظه نمی‌شود. گرچه با تدقیق در برخی مواد قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲^۱ و دیگر قوانین و بخش‌نامه‌ها، پذیرش جبران دولتی خسارت را از سوی قانون‌گذار مشاهده می‌کنیم، اما در این راستا قاعده‌ای فراگیر تاسیس نشده و تنها در موارد مصرحه قانونی این امر پذیرفته شده که استثنائی بر اصل جبران خسارت از سوی صدمه‌زننده می‌باشد. اما در صورت تصویب لایحه‌ی حمایت از بزه‌دیدگان گامی بلند در جهت پذیرش مسؤولیت دولت در قبال خسارت بزه‌دیدگان برداشته خواهد شد که از آن می‌توان قاعده‌ای به نام جبران دولتی خسارت را استنباط نمود. در ماده ۱ این لایحه آمده است که: «به منظور حمایت از بزه‌دیدگان و جبران خسارت آنان در اجرای مقررات این قانون و سایر قوانین مرتبط، صندوقی به نام "صندوق حمایت از بزه‌دیدگان" در وزارت دادگستری تشکیل می‌شود» و در ماده ۷ قانون مذکور، ارائه‌ی حمایت‌های پیش‌بینی شده را منوط به احراز شرایطی دانسته است که یکی از آن شرایط را در بند دوم بدین شرح آورده است که:

«در صورتی که محکوم علیه ناتوان از جبران خسارت وارده بوده یا ناشناس و متواری و یا غیر قابل دسترس باشد و به طریق دیگری جبران خسارت از اموال وی مقدور نباشد».

اما نکته‌ای که در اینجا لازم به ذکر می‌رسد، این است که برخلاف سایر بزه‌دیدگان بزرگسال، بی‌تقصیر بودن کامل کودکان و سهم نبودن آنان در وقوع جرم به عنوان عامل مؤثر در بزه‌دیدگی ایجاب می‌نماید تا خسارات وارده متناسب با شدت صدمات جسمانی، روحی و روانی از سوی دولت برطرف گردیده و به عبارت بهتر، اصل جبران دولتی خسارت در مورد آنها به نحو اکمل اعمال شود تا بازگشت موفق کودک به اجتماع میسر گردد. اما باید این مهم را مطمئن نظر قرار داد که گرچه دولت به عنوان نماینده‌ی جامعه، وظیفه‌ی حمایت از افراد جامعه

۱. ماده ۴۳۵: «هرگاه در جنایت عمدی، به علت مرگ یا فرار، دسترسی به مرتکب ممکن نباشد با درخواست صاحب حق، دیه جنایت از اموال مرتکب پرداخت می‌شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد، در خصوص قتل عمد، ولی دم می‌تواند دیه را از عاقله بگیرد و در صورت نبود عاقله یا عدم دسترسی به آنها یا عدم تمکن آنها، دیه از بیت المال پرداخت می‌شود...»

را در برابر بزه‌دیدگی به عهده دارد، اما قطعاً به تنهایی توانایی تامین حمایت مطلق از کلیه بزه‌دیدگان را در برابر اعمال جرم و خسارت ندارد و با در نظر گرفتن بررسی جبران خسارت کودک در دستگاه عدالت کیفری در زمان مناسب و پرداخت کامل خسارات در اسرع وقت، موکول کردن ترمیم کامل خسارات از سوی دولت زمان زیادی را می‌طلبد که به صلاح و صرفه‌ی کودک نیست. در نتیجه، در این زمینه می‌توان با برنامه‌ریزی و همکاری مراکز خدمات رسانی مانند سازمان بهزیستی کشور و ایجاد خیریه و تاسیس صندوق‌هایی برای ارائه‌ی کمک‌های نقدی از جانب عموم افراد خیر تا حدود بسیار زیادی به این وظیفه نائل آمد. همچنین، خدمات بیمه‌ای نیز در این حوزه می‌تواند نقش بسیار فعالی داشته و می‌توان از طریق سازمان تامین اجتماعی که از گسترده‌ترین سازمان‌های بیمه‌گر کشور است، با ایجاد بیمه‌های عمومی و خصوصی به مانند بسیاری از کشورها نظیر کشور سوئد، درصد زیادی از کودکان بزه‌دیده را تحت پوشش خود قرار دهد.

اکثر مردم در کشور سوئد، بیمه خصوصی^۱ یا بیمه خانگی^۲ دارند. بیمه خانگی، اصولاً زیان‌های ناشی از جرایم را تحت پوشش قرار می‌دهد. همچنین بیمه‌های حوادث شخصی یا جمعی دیگری نیز وجود دارد که خدمات شخصی را تحت پوشش قرار می‌دهد. شرایط پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان در سیاست بیمه معین شده و در میان شرکت‌های بیمه متغیر است. اما خسارت یا غرامت دولتی نامحدود نبوده و شامل بعضی خسارات نمی‌شود و همه‌ی بزه‌دیدگان شامل این طرح نیستند. برای مثال، بیمه، خسارت بزه‌دیده‌ای که با مجرم زندگی نمی‌کند را پرداخت نمی‌کند (Mannelqvist, 2010: 428). بدین ترتیب یک بزه‌دیده در سوئد، سه انتخاب عمده برای جبران خسارت دارد. اول، به بزه‌دیده از سوی مرتکب خسارت تعلق می‌گیرد که از طریق دادگاه معین می‌گردد. در مرحله‌ی دوم، غرامت می‌تواند از ناحیه‌ی انواع متعددی از بیمه‌ها غالباً بیمه‌های خصوصی که بزه‌دیده از شرکت بیمه‌گر دریافت می‌کند و سپس در مرحله‌ی سوم، دولت سوئد از طریق طرح پرداخت غرامت دولتی مشهور به غرامت خدمات کیفری می‌تواند جبران خسارت کند (Ibid.425). بنابراین، تاسیس نهاد بیمه خصوصی و یا خانگی برای بزه‌دیدگان علی‌الخصوص کودکان بزه‌دیده با توجه به حجم بالای کودک آزاری و وسعت خشونت‌های خانگی

1. Private Insurance

2. Home Insurance

در کشورمان امری ضروری می‌باشد تا از آلام جسمانی و روحی و روانی کودک تا حدود بسیار زیادی کاسته شده و در پیشگیری از بزه‌دیدگی مجدد و متعاقب آن در پیشگیری از بزهکاری او در آینده نقش بسزایی ایفا نماید، زیرا بسیاری از کودکانی که در سن جوانی و بزرگسالی مرتکب جرایم مختلف می‌شوند، در کودکی خود نیز بزه‌دیدگی را تجربه کرده‌اند.

در کالیفرنیا، بزه‌دیدگان برای مساعدت مالی از ناحیه Calvcp حتی قبل از اینکه مجرم مجازات شود و به پرداخت خسارت محکوم گردد، واجد صلاحیت هستند. اگر بزه‌دیده صدمه دیده یا در روند دادرسی متحمل صدمه شده باشد، می‌تواند مخارج مرتبط به جرم «ضرر و زیان ناشی از جرم» را از Calvcp به عنوان «پرداخت‌کننده نهایی»^۱ تقاضا نماید تا مساعدت مالی برای بزه‌دیدگان، زمانی که زیان شخصی و مخارج از سوی بزهکار و سایر منابع مانند بیمه سلامت پرداخت نمی‌شود، مهیا گردد. در صورتی که قبل از تعیین مجازات، مساعدت مالی را تامین نمود، در زمان صدور حکم، قاضی این اختیار را دارد تا مجرم را به پرداخت آن مبلغ محکوم نماید. اما باید توجه داشت Calvcp خسارت مالی نظیر سرقت را تحت پوشش قرار نمی‌دهد و مخارج مربوط به جرم نظیر هزینه‌های پزشکی و دندان‌پزشکی، درمان سلامت روحی، ضرر و زیان از کارافتادگی، مخارج تدفین و تشریفات آن و هزینه‌های حمل و نقل را تحت پوشش خود قرار می‌دهد. اما اگر بزه‌دیده از Calvcp مساعدت دریافت نماید و در این راستا از سوی مجرم و یا سایر منابع نیز غرامت برای مخارج مشابه دریافت کند، ملزم می‌شود تا آن مبلغ را بازپرداخت نماید تا برای سایر بزه‌دیدگان هزینه گردد (Financial Recovery: A Victims Guide to Restitution, op.cit:14).

در خاتمه می‌توان برای به کار بستن اصل جبران خسارت دولتی، مزایای متعددی را برشمرد، از جمله، بهبود وضع روحی و التیام آلام روانی کودک، توانمندسازی و بازگشت موفق او به خانواده‌اش، پیشگیری از بزه‌دیدگی مجدد کودک، پیشگیری از انتقام‌گیری اقوام کودک، پیشگیری از تبدیل شدن بزه‌دیده به بزهکار، کاهش رقم سیاه بزهکاری به جهت جبران و ترمیم کامل صدمات وارده که گزارش دهی جرم را تسهیل می‌بخشد.

^۱ Payer of a last resort.

هرچند در این پژوهش بر آن بودیم که در مقام بررسی جبران خسارت کودک در مرحله‌ی صدور حکم و اجرای آن باشیم، اما، نباید این نکته را فراموش کرد که حمایت مالی نباید تنها به مرحله‌ی صدور حکم و اجرای آن محدود شود، بلکه از همان لحظات اولیه‌ی وقوع جرم، باید به عنوان یک حمایت بلند مدت مدنظر قرار گیرد. بدین شرح که برخی از نیازهای اولیه‌ی کودکان با حمایت‌های مالی این گروه‌ها از طریق معرفی به مراکز پزشکی خاص و تامین هزینه‌های درمان، اسکان در محلی جدید برای جلوگیری از بزه‌دیدگی مکرر و احساس امنیت وی مرتفع می‌گردد. درمان جسمانی و تسکین آلام روحی و روانی کودک نیز در همان لحظات اولیه به علت فشار شدید روانی متحمل‌ه باید از سوی مقاماتی که اولین مواجهه و تماس را با کودک دارند، نظیر، پلیس تعلیم دیده و یا مقامات تعقیب و تحقیق مورد عنایت قرار گیرد که این امر از طریق مشاوره روان‌شناختی از سوی افراد متخصص به حقوق کودک قابل تحقق است. همچنین اسناد متعدد برشمرده شده در این پژوهش به صراحت به حمایت‌های عاطفی، روان‌شناختی، پزشکی، مالی به بزه‌دیدگان خصوصاً کودکان بزه‌دیده اشاره داشته که قطعاً ارائه‌ی این مساعدت‌ها همگی به حمایت مالی و همگی به حمایت‌های بلند مدت از مرحله‌ی کشف یا اعلام جرم تا اجرای حکم برمی‌گردد. ماده ۲۵ اصول راهبردی ۲۰۰۴ نیز، ارائه‌ی مساعدت به کودکان بزه‌دیده را از زمان شروع گزارش جرم تا هنگامی که دیگر این خدمات مورد نیاز نیست، مبرهن می‌دارد.

برآمد؛

جبران خسارت از کودک و دریافت غرامت از بزه‌کار، گامی بلند برای فائق آمدن بر ضرر و زیان‌های وارده است و به بزه‌دیده مساعدت می‌نماید تا در پرتو اجرای عدالت، زندگی خویش را سامان دهد. جبران صدمات جسمانی و روحی و روانی کودک تایید رنج‌ها و صدمات او و ناعادلانه بودن و نامشروع بودن بزه ارتكابی است که می‌تواند تدبیری سزادهنده و در عین حال بازدارنده قلمداد شود و به منزله‌ی شیوه‌ای جهت جبران پاره‌ای از زیان‌ها و آسیب‌های وارده بر کودک بزه‌دیده و شیوه‌ای به نظر اجتماعی - سازنده برای پاسخگوساختن مجرم، همزمان با

ارائه‌ی گسترده‌ترین قلمرو احتمالی برای توان بخشی کودک استفاده شود که هم به مسؤولیت-پذیری و بازپروری بزهکار کمک شایانی می‌نماید و هم از بزه‌دیدگی ثانوی کودک در فرآیند کیفری و متعاقب آن بزه‌دیدگی مجدد او در جامعه ممانعت به عمل می‌آورد.

مطالعه‌ی تطبیقی حق جبران خسارت کودک در کشورهای دیگر و اسناد بین‌المللی و مقررات ایران بیانگر خلأها و نارسایی‌های متعددی در قوانین داخلی می‌باشد. در نتیجه، با قوانین کنونی نمی‌توان بطور مناسب، جبران خسارت کودکان را در فرآیند کیفری تضمین نمود. مضافاً درباره‌ی طریقه درخواست و سازوکارهای جبران یا ترمیم در نظام عدالت کیفری ایران باید گفت که پیشرفت چندانی در این زمینه به چشم نمی‌خورد؛ زیرا تحقق این موضوع اساساً در گرو به رسمیت شناختن حقوق مشخصی برای کودکان بزه‌دیده می‌باشد که در این راستا، می‌توان به موازات کشورهای دیگر و تصویب اسناد بین‌المللی، از رهگذر اصلاح قوانین موجود و تصویب مقررات ویژه و خاص برای حمایت از کودکان بزه‌دیده، سنگ بنای یک سیاست جنایی تقنینی را تشکیل داد. بی‌شک، فقدان یا نقص موجود در قوانین حمایتی و ویژه برای کودکان در حقوق ایران موجب شده است تا دستگاه قضایی نتواند حقوق کودکان را در چارچوب یک سیاست جنایی قضایی اجرا کند. بدین سان، لازم است با تنظیم و اجرای سازوکارهای تقنینی، اجرایی، قضایی و نظارتی ناظر بر حمایت از کودکان و ارتقای مهارت‌های آنان از طرق مورد بحث در این پژوهش، یک سیاست جنایی کارآمد را در ایران معرفی کرد و با اتخاذ سیاست‌هایی توسط دولت مردان و بهره‌گیری از تمام امکانات و نیروها در فرایند کیفری و با مدنظر قرار دادن مسائل کودکان در نظام عدالت کیفری، ارزش بیشتری برای خواسته‌ها و نیازهای آنان قائل گردید.

پیشنهادها

۱. به راه انداختن سازوکارهای جبران خسارت از همان لحظات اولیه پس از وقوع جرم برای کودک، ولی یا قیم، قیم اتفاقی و وکیل کودک از رهگذر پلیس و دادستان و مدنظر قرار دادن یک حمایت بلندمدت از طریق ارائه‌ی خدمات پزشکی و روان‌پزشکی به کودک از

ابتدا تا انتهای فرآیند کیفری برای بهبود جسمانی و عاطفی و روانی و توانمندسازی و کمک به او برای بازگشت مجدد به اجتماع.

۲. استخدام افراد متخصص به حقوق کودک در سمت قضاوت برای رسیدگی به دادرسی جرایم علیه کودکان، تعیین وکیل تسخیری برای کودکان بزه‌دیده‌ی خانواده‌های بی‌بضاعت یا کودکانی که از طرف خانواده‌ی خود متحمل بزه‌دیدگی شده‌اند و اطلاع‌رسانی کامل و دقیق به کودکان و خانواده‌ها یا قیم‌شان از طرف مقامات پلیس، دادسرا و دادگاه و یا وکیل رایگان برای احقاق حقوق کامل آن‌ها.

۳. مقرر نمودن ترتیبات ویژه برای تشویق مرتکبان کودک آزار به جبران خسارت زود هنگام، از جمله اینکه، چنانچه مرتکب علاوه بر جبران خسارت به مجازات اضافی نظیر، جزای نقدی یا حبس و.... محکوم شده باشد، برای او شرایطی تعیین گردد تا اگر از کودک جبران خسارت کند، از رهگذر به کار نبردن تدابیر اضافی نظیر، تعلیق جزای نقدی یا حبس از مسئولیت‌پذیری مجرم حمایت و او را تشویق به این کار نمود.

۴. در صورت عدم پرداخت کامل خسارات از ناحیه بزه‌کار، تاسیس صندوق‌های پرداخت غرامت که منبع آن، علاوه بر بودجه دولتی با تشویق گروه‌های مردم نهاد و سازمان‌های مدنی و افراد خیر نیز تامین گردیده و ایجاد و در دسترس قرار دادن فرم‌های درخواست غرامت به صورت کتبی یا آنلاین و تعیین مدت زمانی معین برای تکمیل تقاضا و اطلاع‌رسانی به موقع به کودکان و خانواده‌شان از خدمات موجود.

۵. تاسیس نهاد بیمه خصوصی و یا خانگی برای بزه‌دیدگان علی‌الخصوص کودکان بزه‌دیده با توجه به حجم بالای کودک آزاری و وسعت خشونت‌های خانگی در راستای تسکین آلام جسمانی و روحی و روانی کودک.

۶. در صورت محکومیت مجرم علاوه بر جبران خسارت به حبس یا تعلیق مراقبتی، در تماس بودن مقامات آموزش دیده اجرای احکام با کودک جهت در اختیار گذاشتن خدمات درمانی، تمهیدات پزشکی، روان‌شناسی، مشاوره و در صورت لزوم معالجات

روان‌پزشکی برای توانمندسازی و بازگشت سالم کودک به اجتماع و پیشگیری از بزه-
دیدگی ثانویه.

منابع

الف) منابع فارسی

- اصول راهبردی به منظور اعمال در مورد اطفال در نظام عدالت کیفری؛ قطعنامه شورای اجتماعی - اقتصادی سازمان ملل متحد، ۲۱ جولای ۱۹۹۷
- بهبودی، هایده، (۱۳۸۵) «کودک آزاری»، تعلیم و تربیت استثنائی، شماره ۶۰.
- حاجی ده‌آبادی، احمد (۱۳۸۵)، «از جبران خسارت بزه‌دیده توسط بزه‌کار تا جبران خسارت توسط دولت»، مجله فقه و حقوق، سال سوم، شماره ۹۵.
- حاجی ده‌آبادی، احمد (۱۳۸۵)، مطالعه تطبیقی جبران خسارت بزه‌دیده به هزینه دولت و نهادهای عمومی در ایران، اسلام و انگلستان، رساله دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۱) بزه‌دیده در فرایند کیفری، تهران: نشر خط سوم.
- عباچی، مریم (۱۳۸۴)، «رهنمودهای حقوق کیفری ماهوی در قبال کودکان بزه‌دیده»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۲ و ۵۳.
- گرمایی، مهدیه (۱۳۹۰)، حقوق بزه‌دیده در فرایند دادرسی کیفری ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، مهر
- لپز، ژرار، فیلیزولا، ژینا (۱۳۷۹)، بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه روح‌الدین کردعلیوند و احمد محمدی، تهران: انتشارات مجد.
- مالکی زاده، سروش (۱۳۸۷)، «فرایند جبران خسارت بزه‌دیدگان در نظام عدالت کیفری»، دادرسی.
- معتمدی مهر، مهدی (۱۳۷۰)، حمایت از زنان در برابر خشونت؛ سیاست جنایی انگلستان، تهران: نشر برگ زیتون.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۳-۷۴)، تقریرات درس جرم‌شناسی؛ بزه‌دیده‌شناسی، دوره کارشناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

- هدیه هدایت (۱۳۹۲)، حمایت افتراقی از کودکان بزه‌دیده در فرایند کیفری؛ مطالعه تطبیقی اسناد بین المللی و حقوق کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه مفید قم.

ب) منابع انگلیسی

- Child protection Model Law, Best Practices: Protection of Children from Neglect, Abuse, Maltreatment, Exploitation, The Protection project, International centre for Missing & Exploited Children, January 2013
- Compensation for the mental suffering of rape victims and rape and prostitution Laws relating to minors; A Comparative Study, Vinson&Elkins LLP, Trustlaw, August 2013
- Convention on contact concerning children Strasbourg , 15. v. 2003
- Council of Europe, Committee of ministers, on assistance to crime victims, 14 June 2006
- Council of Europe , Committee of Ministers , on legal protection against sex discrimination , 5 February 1985
- Council of Europe , Convention on the protection of children against sexual exploitation and sexual abuse, Lanzarote , 25. x. 2007
- Council of Europe, Committee of Ministers, on the protection of women against violence, 30 April 2002
- Council of Europe, Committee of Ministers, on violence in the family, 26 March 1985
- Declaration of Basic principles of Justice for victims of Crime and Abuse of power general assembly, resolution 40/43, UN. 1985
- Draft Arab Charter on Human Rights, Text adopted by the Arab Standing Committee for Human rights, 5-14 January 2004
- Guidelines on the Protection of Child Victims of Trafficking, Unicef technical notes, for every child, Health, Education, Equality, Protection, Advance Humanity, New York, September 2006
- Council of Europe, Committee of Ministers, on violence in the family, 26 March 1985

- Declaration of Basic principles of Justice for victims of Crime and Abuse of power general assembly, resolution40/43, UN. 1985
- Draft Arab Charter on Human Rights, Text adopted by the Arab Standing Committee for Human rights, 5-14 January 2004
- Guideline on Justice for child victim and witnesses of Crime, The Economic and social council, UN, 2004
- Mannelqvist . Ruth. Compensation for Victims in Public Legislation and as a Civil Right, Stockholm Institute for Scandianvian Law 1957- 2010
- Victims Rights Working Group, Establishing effective reparation procedures principles for the international criminal court, September 2011

ج) منابع اینترنتی

- www.wikifegh.ir/ قاعده لاضرر
- www.shareh.com/persian/magazine/.../21-12-06.html
- Canadian Resource Center for Victim of Crime ‘[http://crcvc. Ca/for-victims/ financial-assistance/](http://crcvc.ca/for-victims/financial-assistance/)
- Compensation for Victims of Crime. Nidirect government Services. [www.nidirect.gov.uk/compensation for victims of crime](http://www.nidirect.gov.uk/compensation-for-victims-of-crime), updated 2014
- Criminal Injures Compensation: a guide, Crown Copy right, Open government licence . GOV.UK. [https://www.gov.uk/ Criminal – injures-compensation-a-g](https://www.gov.uk/Criminal-injures-compensation-a-g). 26 march 2014
- Financial Assistance for Canadians Victimized Abroad, may 25, 2016
- Financial Recovery: A victims Guide to restitution, a publication of Calvcp and CDCRs Office of Victim and Survivor Rights and Services, The Great Seal of the State of California, 2014 ‘www.cdcr.ca.gov.
- California department of corrections and rehabilitation ‘www.calvcp.ca.gov
- Maryland Crime Victims' Resource Center ‘www.mdcrimevictims.org

- United States Department of Justice. Offices of United States Attorneys, Services to Crime Victims /USAO/ department of Justice, updated December 2014
- United States Department of Justice, April 17, 2015 ؛[http://www.justice .gov/usa o.../victim](http://www.justice.gov/usa_o.../victim)
- U.S. Code S3771- Crime Victims Rights, Cornell University Law School, Legal Information Institute؛[www.law.cornell.edu/uscode/text/18/3771/chapter 237](http://www.law.cornell.edu/uscode/text/18/3771/chapter_237)
- Restitution Defined-VCGCB- California Victim Compensation Board ؛ [www. vcgcb.cca.gov/restitution](http://www.vcgcb.cca.gov/restitution), 2013
- Victims Right and Services Act, Act of 1989, An Act to Provide Rights and Services to Victims of Crime, amended 1992, c. 36; 2000, c.4. [nslegislature.ca/legc/statutes/victims. htm](http://nslegislature.ca/legc/statutes/victims.htm)